پگاه حوزه  تیر ماه سال 1390 ، شماره 305

فرقه گرایی و تهدیدهای امنیت فرهنگی

(قسمت دوم)

 3. فرقه شیطان پرستی

 یکی از بنیان های وحدت ساز جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، وجود دین مشترک در میان اقوام و شبکه های اجتماعی فرهنگی است. و لذا در این رابطه، یکی از تحرکات خزنده تهاجم نرم در حوزه مبانی اعتقادی که با رویکرد تقویت گسست های هویتی، سازماندهی می شوند، تبلیغ و ترویج برخی نمادهای شیطانی است، که ضعف برنامه ریزی راهبردی برای خنثی سازی آن می تواند آسیب هایی را به مبانی اعتقادی و باورهای مذهبی بوجود آورده و به صورت مستقیم نقش یک عامل مخرب را در نهادینه سازی امنیت اخلاقی و عمومی ایفا کند. در همین رابطه بیش از سه هزار فرقه تخدیری و شیطان پرستی در جهان وجود دارد، که حدود 50 تا از آنها در حال تبلیغ و ترویج در جمهوری اسلامی ایران هستند.

 مهم ترین آسیب های ترویج و گسترش شیطان پرستی از منظر امنیت نرم عبارتند از:

 - افزایش مولدهای اختلال امنیت فرهنگی؛

 - مقدمه سازی برای ایجاد، رشد و نفوذ اندیشه های ضد دینی در جامعه؛

 - کمرنگ سازی نقش آموزه های مذهبی در تقویت انسجام و وحدت ملی؛

 - تضعیف نظارت درونی و خود کنترلی در راستای تهدید امنیت اخلاقی، به ویژه در میان جوانان؛

 - مقدمه سازی برای شکاف زایی میان جامعه با روحانیت؛

 - تشویق و ترغیب افراد به انجام فعالیت های هنجارشکن مذهبی و بالتبع افزایش هزینه های برقراری انضباط اجتماعی؛

 - افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی و روانگردان ها، بویژه در حین برگزاری پارتی های شبانه؛

 - مانع سازی در روند تحقق اصل 44-4 سیاست های کلی برنامه پنجم؛(1)

 - تضعیف جایگاه دین در تقویت شبکه های اجتماعی، که پیامد آن تضعیف انسجام هویتی مبتنی بر اصول مبانی اعتقادی است.

 - افزایش آسیب پذیری جامعه نسبت به تهاجم فرهنگ لیبرال دموکراسی؛

 - افزایش هزینه های مدیریت برقراری هنجارهای انضباط اجتماعی.

 شیطان در این اعتقاد خرافی و گمراه آمیز، نماد نیروی تاریکی طبیعت، طبیعت شهوانی، مرگ، بهترین نشانه قدرت و ضدمذهب بودن است. بنابراین، اصول این فرقه ضاله عبارتند از:

 خدایی در شیطان پرستی وجود ندارد.(2)

 روح و جسم غیرقابل دیدن هستند و هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد؛(3)

 خودپرستی به این مفهوم که خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی خود یک خداست؛(4)

 اعتقاد به اصالت ماده؛(5)

 ضد مذهب بودن، به خصوص مذهب هایی که اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارند؛

 مهم ترین گونه های شیطان پرستی عبارتند از:

 الف) شیطان پرستی دینی

 »شیطان پرستی دینی« که در آن، شیطان نوعی جنبه خدایی و متافیزیکی دارد.

 ب) شیطان پرستی گوتیک

 »شیطان پرستی گوتیک« در عصر سلطه کلیسا به وجود آمد.

 کلیسای شیطان، در سال 1966 در شیکاگو و توسط »آنتوان لوی« بنیان گذاشته شد. لوی در 30 آوریل همین سال عنوان اسقف اعظم کلیسای شیطان، یا پاپ سیاه را برای خود برگزید. وی در کلیسا اعمال غیرمتعارفی؛ همانند نوشیدن یا غسل تعمید با خون را نیز انجام می داد.

 از دیگر رسوم شیطان پرستی می توان به زنای با محارم، تجاوز و سوء استفاده جنسی از کودکان در انظار عمومی، عریان شدن در میان جمع همراه با رقص آتش و موسیقی دهشتناک و نیز استفاده از نمادهایی که گاهی صهیونیستی است، اشاره کرد. استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر و موادی که در زندگی مورد توجه نیستند و اکثراً ناپاک هستند، در شیطان پرستی مباح است.

 »انجیل شیطانی«، کتابی است که شیطان پرستان آن را برای عبادت، خواندن دعا و استفاده در مراسم، همراه خود دارند و شامل کلمات عبری، یونانی و انگلیسی است که هنوز رمز تمام کلمات آن کشف نشده است، اما چیزی که می توان به آن پی برد، اسامی شیطان و دعوت از او برای قدرت دادن به شیطان پرستان است. بسیاری از دعاهای این کتاب، بر خلاف دعاهای مسیحیت و انجیل است. هم چنین بسیاری از شعائر آن برای قدر نهادن به عظمت و قدرت شیطان به عنوان قدرت مطلق است.(6)

 ج) شیطان پرستی فلسفی

 »شیطان پرستی فلسفی« توسط »آنتوان لوی«، بنیانگذار انجیل شیطانی و کلیسای شیطان ایجاد شده و مراسم آنها شبیه مراسم جادوگری کراولی است. لوی این نوع شیطان پرستی را تحت تأثیر افکار آلیستر کراولی، نیچه، رند، ویندهام لویس، چارلز داروین و مارک تواین بوجود آورد. در شیطان پرستی لوی، شیطان نیروی مثبت است و در مقابل آن اعمال خدایی و کلیسا مورد تمسخر قرار می گیرد.

 گسترش نمادهای شیطان پرستی در جمهوری اسلامی ایران برروی پیراهن ها، زیورآلات، لوازم بدلی، کمربند، دستبند، بازوبند و کلاه، بر ضرورت آسیب شناسی این فرقه ضاله از منظر امنیت نرم افزوده است.

 مهم ترین علایم شیطان پرستی که نمادهای آن در جمهوری اسلامی ایران در حال گسترش هستند، در جدول ذیل مشخص شده اند:

 جدول شماره 1

 نمادهای شیطان پرستی

ّ محل درج تصویر

 محل درج تصویر

ّ اگر نوشته وسط نماد؛ یعنی (Satanism) به معنای شیطان گرایی را به همراه دایره حذف کنیم، یک ستاره پنج ضلعی که همان نشانه ستاره صبح یا پنتاگرام (pentagram) است برجای می ماند.

 »پنج ضلعی وارونه«(7) یا نشانه ستاره صبح؛ نامی است که به شیطان تعلق دارد. این علامت در مراسم مخفیانه کابالا و احضار ارواح شیطانی استفاده می شود. این علامت را شیطان پرستان با دو ضلع در بالا و ملحدان با یک ضلع در بالا استفاده می کنند. در هر حال این علامت نشانه شیطان است و مهم نیست که یک نوک ضلع آن بالا باشد یا هر دوی آنها، دور آن دایره ای کشیده شده باشد یا خیر، یا روی آن کلمه Satanism نوشته شده باشد یا نه.

 ین سمبل نیز همان پنتاگرام است، با این تفاوت که انواع آن گاه پنج ضلعی وارونه و بدین شکل در میان نمادهای شیطان پرستان به چشم می خورد.

ّ محل درج تصویر

 محل درج تصویر

ّ 666: یک سمبل با عنوان »شماره تلفن شیطان« توسط گروه های هوی متال وارد ایران اسلامی شده، اما در حقیقت علامت انسان و نشانه جانور در میان شیطان پرستان تلقی می شود، که براساس مکاشفات 18:13 »... پس هر کس حکمت دارد عدد وحش را بشمارد؛ زیرا که عدد انسان است و عددش 666 است«.

 صلیب وارونه:(8) این نماد حکایت از »وارونه شدن مسیحیت دارد« و عمدتا استهزا و سخره گرفتن این دین است. صلیب وارونه در گردن بندهای بسیاری مشاهده شده و خواننده های راک انواع مختلف آن را به همراه دارند.

 »صلیب وارونه« نشانه استهزاء و مخالفت با مسیح است. گردن بندهای آن توسط شیطان پرستان زیادی به کار می رود. این علامت را می توان همراه خواننده های راک و روی آلبوم های آنها مشاهده کرد.

ّ محل درج تصویر

 محل درج تصویر

ّ نماد »صلیب شکسته«(9) یا »چرخ خورشید«:(10) چرخ خورشید یک نماد باستانی است که در برخی فرهنگ های دینی؛ هم چون کتیبه های بر جای مانده از بودایی ها و مقبره های سلتی و یونانی دیده شده است.

 لازم به توضیح است، که این علامت سال ها بعد توسط هیتلر به کار رفت، ولی برخی با هدف به سخره گرفتن مسیحیت این سمبل را وارد شیطان پرستی کردند.

 به نظر می رسد که این علامت در آیین پرستش خورشید، نشانه مسیر حرکت خورشید در آسمان باشد.

 »چشمی که به همه جا می نگرد«:(11) چشم در برخی نمادهای روشنفکری نیز به کار می رود، اما شیطان پرستان معتقدند: چشم بالای هرم، چشم شیطان است و بر همه جا نظارت و اشراف دارد.

 شیطان پرستان این نماد را چشم لوسیفر (شیطان) و کسی که قدرت را در دست دارد می دانند. شیطان پرستان معتقدند که این نماد، چشم شیطان است و کسی که قدرت کنترل آن را دارد بر تمام دارایی ها حکومت می کند. این علامت در پیش گویی ها به کار می رود. جادو، نفرین، کنترل های روحی و تمامی انحرافات، تحت این علامت کار می کنند. این علامت، علامت روشن فکران بوده و بر روی دلار آمریکا نیز چاپ شده است.

ّ محل درج تصویر

 محل درج تصویر

ّ »نماد باروری و شهوات در انسان ها«:(12) این نماد، سمبل شهوت رانی، باروری و به مفهوم روح شهوت زنان تعبیر می شود. امروزه نماد »فمنیسم« در واقع یک نماد برداشت شده از سمبل های شیطانی است.

 ضد عدالت:(13) با توجه به این که تبر رو به بالا نماد عدالت در روم باستان به شمار می آمده است، شیطان پرستان تبر رو به پایین را با عنوان نماد ضد عدالت در راه پیمودن مسیر تاریک انتخاب کرده اند.

 فمنیست ها از دو تبر رو به بالا به معنی مادرسالاری باستانی استفاده می نمودند.

ّ محل درج تصویر

 محل درج تصویر

ّ سر بز:(14) بز شاخدار، خدای جادو، بز مندس mendes (همان al’’ba بعل خدای باروی مصر باستان) و scapegoat (بز طلیعه یا قربانی) از روش های شیطان پرستان برای مسخره کردن مسیح است و می گویند: مسیح مانند بره ای برای گناهان بشر کشته شد. این نماد تصویر کاملی از بز محصور در نماد پنتاگرام است؛ زیرا گفته می شود که مسیح مانند بره ای برای گناهان بشر کشته شد و بز نماد شیطان در مسیحیت است.

 هرج و مرج:(15) این نماد به معنای از بین بردن تمام قوانین و دلالت بر این امر دارد، که »هر چه تخریب کننده است تو انجام بده«.

 این علامت به معنای نقض قوانین و هنجارشکنی است که توسط پانک ها، هوی متال ها و راک ها نیز به کار می رود.

ّ دیو بافومت: »دیو بافومت«(16) علامت و سمبل شیطان است، که بیشتر در جواهرات دیده می شود.

 Ankh: سمبل باروری و شهوات در انسان ها. روح شهوت قدرت این جمع زنان / مردان می باشد.

ّ حرف ایکس سفید رنگ با زمینه سیاه: در میان تمدن های بشری کمتر تمدنی، هم چون مصر، نماد گراست و فراماسونری از این حیث وامدار مصریان باستان است.

 یکی از این نمادها در مصر باستان دو خط متقاطع (شبیه به حرف X) است، که درآموزه های شیطانی مصریان نماد خضوع، بندگی، پرستش شیطان و ظهور اوست.

 کاهنان مصر باستان همیشه هنگام ادای احترام، دستان خود را به صورت ضربدری در مقابل سینه شان می گرفتند، یا در نگاره ها و مجسمه های پادشاهان مصری (فراعنه) عموما با همین حالت مشاهده شده اند، که به معنای احضار شیطان، بندگی و پرستش اوست.

 4. فرقه اکنکار

 فرقه اکنکار در سال 1965 توسط »پال توئیچل« (1971 - 1908) در ایالت مینه سوتا شکل گرفت و در 22 اکتبر 1970 در ساندیگوی کالیفرنیا به صورت یک سازمان غیرانتفاعی تأسیس شد. در حال حاضر، مرکز این فرقه در ایالت مینه سوتا است.

 پال توئیچل تحت تأثیر افکار افرادی، چون »فوبی توآنترز«، »ربازار تارز« از تبت و »ماهانتا« از آمریکا قرار گرفت. مکتب اکنکار یک عرفان آمریکایی و از زیرشاخه های عرفان های سرخ پوستی است، ولی رگه های عرفان شرقی (هندوئیسم و بودیسم) در آن به وفور یافت می شود. کتاب مقدس اکنکار »شریعت کی سوگماد« است. این مکتب یکی از اهداف خود را سفر روح و خلاص شدن از چرخه کارما اعلام کرده است.

 مهم ترین مبانی اعتقادی و سیاسی فرقه اکنکار عبارتند از:

 بهره گیری ابزاری از مشاهیر جهان؛

 پال توئیچل در ارائه مکتب خود به 500 سال قبل از میلاد بر می گردد و خود را شاگرد فیثاغورث و ایشان را از اساتید اکنکار معرفی می کند. وی به عنوان سرباز نیروی هوایی آمریکا در سال 1960 معتقد به تناسخ ارواح و خروج روح از بدن بود. در اندیشه »کارما« به عنوان مکمل نظریه تناسخ ارواح، هرکس عملی را انجام دهد، عکس العمل روح او در بدن های دیگر است. در این تفکر، هر کسی که آموزه های تناسخ ارواح را فراگیرد، نقش »ماهانتا« را ایفا می کند و می تواند هدایت انسان ها را در زمین برعهده گیرد.

 این دیدگاه در آمریکا با عنوان فرقه »اکنکار« به سرعت ترویج یافت. هم اکنون رهبر این فرقه در آمریکا »هارولد کملپ« است. وی از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک زرتشت استفاده کرده و ایشان را یک اکیت می داند. بودا، مسیح، شوپنهاور، جلال الدین رومی (مولانا)، حافظ، شمس تبریزی، سقراط، کپرنیک، مارتین لوتر، شکسپیر، کنفسیوس، کریشنا و انیشتین از مشاهیری هستند که پال توئیچل آنان را از پدران یا حامیان این فرقه معرفی کرده، در حالی که هیچ کدام از این ها زنده نیستند تا از خود دفاع کنند.

 پال توئیچل قبل از مرگش در سال 1971 میلادی، 60 اثر دستنویس را کامل کرد، که حدود 35 جلد از آنها منتشر و 20 جلد از آنها به فارسی ترجمه شده اند.

 - انتظار ظهور استاد حق از غرب؛

 استاد، رهبر روحانی و معنوی این گروه »آریل« شناخته می شود، که تمام رهروان به ظهورش دل بسته اند.

 استفاده از مواد مخدر و روانگردان ها؛

 در جلسات اکنکار به منظور رفتن به حالت خلسه عرفانی و رقص و پایکوبی، از مواد مخدر و روانگردان ها؛ مانند حشیش استفاده می کنند.

 - کمرنگ سازی تفکر در افراد.

 مکتب اکنکار به جای دعوت مریدانش به تعقل و تفکر، آنان را به آرامش، رهایی از جسم، پرواز روح و گریز از واقعیت های جهان دعوت می کند.

 5. فرقه خود اندیشی و مراقبت از خود

 فرقه »خود اندیشی و مراقبت از خود«(17) یا به عبارتی »تی اسم ام« به عنوان یکی از زیرشاخه های فرقه اکنکار در سال 1970 توسط جمشیدرضا حاج اشرفی در ایالات متحده آمریکا پایه گذاری شد. وی در سال 1368 از ایران خارج و مقیم آمریکا شد، اما با این وجود ارتباط خود با برخی افراد و نماینده هایش در ایران را حفظ و از همان ابتدا کلاس های مراقبت از خود را در ایران راه اندازی کرد.

 پیچیدگی های زندگی در جوامع امروزی و شهرهای بزرگ همراه با مصرف گرایی بیش از حد، دور شدن مردم کلان شهرها از زندگی طبیعی و به دنبال آن ایجاد فشارهای روحی و روانی، دور شدن از معنویت، افزایش مادی گرایی، فرصت طلبی و فراموشی ارزش ها و کرامات اخلاقی، باعث ایجاد نوعی خلأ و تشنگی مردم نسبت به مسایل معنوی و متافیزیکی شده و این عوامل باعث گردیده تا گرایش برخی افراد جامعه به این فرقه رو به افزایش رود.

 جمشید اشرفی با استفاده از عنوان »استاد اعظم«، به آموزش افراد مختلف از ملیت های گوناگون، به ویژه ایرانیان اقدام کرده و با القاء تفکرات و آموزه های انحرافی، افرادی را به عنوان »استاد« انتخاب و در دیگر کشورها، به خصوص ایران، مأمور به ایجاد کلاس، ترویج عقاید و گسترش شبکه مریدان کرده است.

 پیروان این فرقه معتقدند که با یادگیری فنون مراقبت از خود، باعث تمرکز قوا و افکار می شود و نیز معتقدند که خدا در درون افراد است، خدا همان عشق است و با زندگی در عشق و سیر در درون خود، می توان به نور، سپیدی، عشق و خدا رسید.

 ساختار سازمانی این فرقه به صورت زیر است:

 - مرکزیت، شامل استاد حاج اشرفی و نفر دوم سازمان معروف به خانم سرور حسینی (رستگار)، مقیم آمریکا؛

 - شاخه نیویورک، به سرپرستی ایزاک (اسحاق یهودی)؛

 - شاخه ایران به سرپرستی خانم نوشین. غ (استاد راهبر) مقیم کانادا.

 رهبر معنوی فرقه اکنکار در ایران خانم »نوشین. غ« است؛ وی پیشتر عضو فرقه آمریکایی اکنکار بود و یک معمار است، که دوره های آموزشی خود را با فردی به نام »اهرپور« گذرانده است. یکی از رهبران شاخه ایرانی این فرقه »دکتر ناصری« است، که پس از هشت سال آموزش انرژی درمانی، به آمریکا رفت.

 با توجه به عزیمت برخی شاگردان قدیمی به دیگر کشورها، از جمله کشورهای اروپایی، استاد اشرفی، یادشدگان را ترغیب به راه اندازی کلاس و ایجاد شاخه های دیگر نموده است.

 با توجه به این که یکی از مراکز شش گانه بهائیت »مشرق الاذکار پاناما« است، اشرفی قصد دارد یکی از مراکز این فرقه را در این کشور دایر کند.

 شعار اصلی این گروه »من عاشق خودم هستم«(18) است، که آن را با ریتمی یهودی دست در دست هم با شوق و اشک در جلسات می سرایند.

 پیروان این فرقه با حضور در دوره های آموزشی و شرکت در مراسم به ترتیب به رتبه های رهرو، رهسپار، یاور و هوشیار (آگاه) نایل آمده و شال های رنگین دریافت می کنند.

 مهم ترین شاخص های فرقه مراقبت از خود عبارتند از:

 الف) نمادسازی: نماد این فرقه، درخت است که در آن نقش ریشه را استاد اعظم (جمشید حاج اشرفی)، نقش تنه درخت را خانم نوشین. غ، نقش سرشاخه های اصلی را مشایخ (همسر نوشین) و نقش شاخه های متعدد درخت را مریدان ایفا می کنند.

 ب) بر تن کردن لباس سفید: پیروان این فرقه در جلسات خود لباس کاملاً سفید بر تن می کنند، بطوری که تمامی افراد در محل خاصی از مؤسسه لباس های خود را عوض کرده و سپیدپوش می شوند.

 ج) اعتقاد به تناسخ ارواح: این فرقه معتقد به تناسخ ارواح و انتقال آن از کالبدی به کالبد دیگر بوده و این اصل را همواره در طول دوره های آموزشی خود بیان می کنند و معتقداند: چنانچه فردی در یک کالبد عمل خوبی داشته باشد، در دوره بعدی در کالبدی بالاتر قرار می گیرد و بالعکس، چنانچه اعمال خلافی انجام دهد در دوره بعدی به کالبدی پایین تر تنزل خواهد یافت.

 د) ازدواج درون فرقه ای: فرقه تی اس ام، ازدواج را تنها در قالب درون فرقه ای قبول دارد بطوری که برای همه افراد حتی کسانی که قبلاً ازدواج کرده اند مجدداً مراسم پیوند معنوی برگزار می کنند. آداب و رسوم آنان در ازدواج همانند هندوها بوده و از تاج های گل برای عروس و داماد استفاده می کنند. نکته مهم این است که پیوندی که بر اساس حکم الهی نبوده و به وسیله استاد برقرار می شود، فقط قابل فسخ از سوی وی خواهد بود.

 ه) وجود ارتباطات نامشروع: فرقه تی اس ام با بیان اینکه هر فردی باید عاشق دیگران بوده و این موضوع را به وضوح و با صدای بلند بیان کند، افراط را از حد گذرانده و این عشق را به نامحرمان سرایت می دهد، بطوری که مریدان زن و مرد در بسیاری از کلاس ها و جلسات دیگر رهروان را در آغوش گرفته و به ایشان می گویند، دوستشان دارند. در هنگام خواندن سرود، زن و مرد نامحرم دست یکدیگر را گرفته و آواز خوانده تا به شور و شوق برسند.

 گفتار دوم: جمع بندی و نتیجه گیری

 یکی از مهم ترین ابعاد تهاجم نرم، برنامه ریزی راهبردی دشمنان نظام برای تضعیف بنیان های هویتی در سطوح فرهنگی، اعتقادی، قومی و فرقه ای است. یکی از الزامات مدیریت نرم افزاری امنیت ملی، شناسایی و خنثی سازی مؤلفه هایی است که در راستای تضعیف مبانی اعتقادی سازماندهی می شوند.

 در بند 44-4 سیاست های کلی برنامه پنجم بر لزوم اتخاذ تدابیر مناسب برای مقابله با گسست های هویتی تأکید شده است. در این رابطه یکی از عوامل مخرب تقویت یکپارچگی ملی، چالش هایی است که با هدف تضعیف مبانی اعتقادی سازماندهی می شوند.

 برنامه های مخالفان نظام در حوزه فرقه های ضاله و عرفان های نوظهور بایستی در زیرمجموعه تهدیدات نرم و در بخش اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرند، که می توان آن را به صورت تصویر ذیل نشان داد:

 محل درج تصویر شماره 2

 جایگاه فرقه سازی در ساختار تهدیدات نرم

 برخی راهکارها و اقدام هایی که ظرفیت نظام برای مقابله با فرقه های ضاله و عرفان های نوظهور را افزایش می دهد، عبارتند از:

 شناسایی مولدهای سایبری مروج فرقه های ضاله و عرفان های کاذب

 برخی اقدامات تولید و ترویج عقاید انحرافی از طریق شبکه های مجازی وب سازماندهی می شوند، که با توجه به آسیب های آن بر انسجام ملی، بایستی در بخش مدیریت انتظامی امنیتی جرایم فضای سایبر مورد توجه نهادهای ذی ربط قرار گیرد.

 ظرفیت سازی برای مقابله با فرقه های ضاله در ترسیم نقشه جامع مهندسی فرهنگی کشور

 نهادهای فرهنگی و رسانه ای با آگاهی بخشی و اطلاع رسانی دقیق از جریان شناسی، اهداف و ابزار تبلیغی فرقه های ضاله، نقش مهمی را در مدیریت رسانه ای و پیش رویدادی آسیب های ناشی از فرقه های ضاله برعهده دارند.

 یکی از محورهای ابلاغی مقام معظم رهبری در برنامه پنجم، مکلف شدن نهادهای ذی ربط به تهیه نقشه جامع مهندسی فرهنگی است، که در بند اول به آن اشاره شده است.

 - واکاوی جغرافیای امنیتی تراکم و موقعیت طرفداران فرقه های ضاله و عرفان های نوظهور

 برخی تفکرات انحرافی؛ مانند »پائولوکوئیلیو« یا »کاستاندا«، پتانسیل تبدیل شدن به یک فرقه و جذب مرید را دارند و برخی دیگر نیز مانند »پال توئیچل« تبدیل به یک فرقه شده اند.

 - جریان شناسی ریشه های ترویج سلفی گری در جمهوری اسلامی ایران

 سلفی گری از جریان های رادیکال مذهبی است که بیشتر از آن که ریشه داخلی داشته باشد، ریشه های منطقه ای دارد. سه کشور عربستان، پاکستان و امارات از اصلی ترین حامیان مالی جریان های سلفی هستند و استان سیستان و بلوچستان به لحاظ بافت قومی مذهبی و مجاورت جغرافیایی با پاکستان و افغانستان از بیشترین پتانسیل فعالیت گروه های سلفی گری برخوردار است، که با وجود ادعای آمریکا در مبارزه با القاعده و سلفی گری، بخشی از نهادهای اطلاعاتی - امنیتی آمریکا از جریان های سلفی گری حمایت می کنند. بی ثباتی سیاسی در پاکستان نیز به سرایت سلفی گری در ایران کمک می کند. هر چند دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی ضربه ای بزرگ بر این جریان بود، اما واضح است که جریان سلفی گری خیلی ریشه دارتر از اینهاست، کما این که فعالیت حامیان القاعده در میان سنی های کردستان نیز در حال گسترش است.

 - تأثیرکاوی ایجاد و گسترش فرقه های ضاله بر شاخص های وحدت ملی

 یکی از مهم ترین آسیب های گسترش فرقه های ضاله و عرفان های نوظهور تأثیر آن بر وحدت ملی است. برای مثال، یکی از تهاجم های نرم فرهنگی مخالفان نظام در حوزه مبانی اعتقادی این است که اقدام ها و تفکرات خصمانه وهابیون را به اهل سنت تعمیم می دهند تا ضریب همبستگی جهان اسلام را کمرنگ کرده و زمینه های وقوع برخی تنش های فرقه ای را در استان های سنی نشین جمهوری اسلامی ایران؛ مانند کردستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان بوجود آورند. به عبارتی، پیروان مرامنامه شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی از مذاهب فقهی اهل تسنن هستند، که با مرامنامه تکفیری عقیدتی وهابیون متفاوت است. در عقاید وهابیون شیعیان به عنوان کافر معرفی می شوند، در حالی که پیروان اهل سنت چنین دیدگاهی را نسبت به شیعیان ندارند.(19)

 - شناسایی آماج تهاجم عقاید فرقه های ضاله و عرفان های نوظهور

 وهابیون عربستان از شهریور 1368 به بهانه کمک های آموزشی و انسان دوستانه به مهاجران افغان در ایالت بلوچستان، مراکز متعددی تحت عنوان »مؤسسه الدعوة الاسلامیه«، »ادارة الاسراء«، »مؤسسه مکه المکرمه الخیریه« و »مؤسسه مسلم« را تأسیس کردند و از طریق کمک های مالی، فرهنگ ضد شیعی وهابیت و سیاست های ضد ایرانی خود را تبلیغ می کنند. جزایر مرزی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس؛ مانند قشم و کیش که بدون تجهیزات ماهواره ای؛ برنامه های رسانه های عربستان و امارات را مشاهده می کنند، از کانون های تهاجم فرقه ضاله وهابیت هستند.

 یکی از پتانسیل های نفوذ وهابیت در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، منطقه آسیای میانه به دلیل اطلاعات ناکافی مسلمانان این ناحیه است، که می توان رگه های آن را به وضوح در کشورهایی؛ مانند ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان مشاهده کرد، که این مسأله ضریب شکل گیری برخی سازمان های بنیادگرای فرقه ای را بوجود آورده است. بویژه این که مناطقی همانند دره فرغانه که مشترک میان چند کشور است با افزایش گرایش های بنیادگرایانه سلفی روبرو شده که ضعف تدابیر امنیت مرزی این کشورها با افغانستان بر سرعت آن افزوده است.

 سرشاخک های رخنه فرقه ضاله وهابیت در استان های برخوردار از موزائیک های قومی فرقه ای، استان های مرزی و استان های هم جوار با حاشیه خلیج فارس، به ویژه استان هرمزگان بسیار پررنگ تر است و مدیریت آن مستلزم ترکیبی از سیاست های فرهنگی و امنیتی است.

 پی نوشت ها:

 1. در بند 44-4 سیاست های کلی بر لزوم تقویت زیر ساخت های انسجام و همبستگی ملی برای پیش گیری و مقابله با عوامل بروز گسست های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی تأکید شده است.

. Atheism. 2

. Not dualistic. 3

. Autodeists. 4

. Materialistic. 5

 6. حراجی، مریم، »شیطان پرستی چیست؟«، ماهنامه پژوهش های فرهنگی موج عصر، شماره 5 و 6، مرداد و شهریور 88، صص 10-8

. Inverted Pentagram. 7

. Down Cross Upside. 8

. Wheel Wastika. 9

. Wheel Sun. 10

. Seeing Eye All. 11

. Ankh. 12

. Anti Justice. 13

. Head Goat. 14

. Anarchy. 15

. Baphomet. 16

. (TSM) Technical Self Meditation. 17

. I love Myself. 18

 19. عبدالحسین مشفق، فرقه وهابیت، پایگاه اطلاع رسانی شیعیان،